

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، بعدد ما احاط به علمه

«الهي انطقني بالهدى و الهمني التقوي»

عزیزان بحث را در آستانه‌ی ماه ربیع می‌بینند. آخر ماه صفر رحلت پیغمبر است ولی هفدهم ربیع تولد پیغمبر است. باز در مورد پیامبر صحبت کنیم، جلسه قبل مطالبی را گفتیم و این جلسه مطالبی دیگر. یکی اینکه پیغمبر را نمی‌شود گفت: یک نابغه، روشنفکر، پروفیسور، آیت الله، این لقب‌ها برای پیامبر کوچک است مثل اینکه بگوییم: امام حسین، امام حسین آدم خوبی بود. آدم خوبی بود برای امام حسین کوچک است و خیلی کم است.

در کتاب‌ها خواندید اما اینطور که من می‌گویم، دسته بندی‌اش شاید به ذهنتان شیرین‌تر از کتاب‌های آموزش و پرورش باشد.

## ۱- راه شناخت پیامبران از نوابغ و مرتاضان

پیغمبر را از چند راه می‌شود شناخت. معجزه، معجزه چیست؟ معجزه از عجز است. معجزه یعنی کاری کند که دیگران عاجز شوند. مشابه‌اش را نتوانند انجام بدهند. ما مثلاً در هندوستان آدم داریم یک مغز بادام می‌خورد و بیست روز غذا نمی‌خورد. این معجزه است. یا فلان وزنه بردار وزنه‌ای بلند کرد که هیچکس در تاریخ چنین وزنه‌ای بلند نکرده است. یا فلانی می‌تواند ۳۵ روز نخوابد. حالا هرکس یک چنین کاری کرد پیغمبر است؟ نه. حالا چون چهار نسل عوض شده من اینها را آن زمانی که ریش‌هایم مشکی بود، دهه اول انقلاب گفتم منتهی الآن شما بعضی‌ها مرا می‌بینند می‌گویند: بچگی گوش به حرف شما می‌دادیم. بعضی می‌گویند: پدرم گوش می‌داد. بعضی می‌گویند: مادر بزرگم گوش می‌داد. یعنی من دارم نسل منقرض می‌شوم! چون می‌بینم که حرف‌هایم... ولی در عین حال حرف را باید زد. یک سؤال: شما یک جوان مسلمان هستی می‌پرسند: به چه دلیل ایشان پیغمبر است. می‌گوییم: معجزه! می‌گوید: چه کرده؟

می‌گوییم: کاری کرده که کسی نتوانسته، می‌گوید: من هم آدم‌هایی نشان می‌دهم نوابغ، مخترعین، مکتشفین، یک کارهایی می‌کنند کسی نمی‌تواند. آیا هرکسی...؟ می‌گوییم: نه! تفاوت بین معجزه و کارهای دیگران... [پای تخته می‌نویسند]

بسم الله الرحمن الرحيم، موضوع بحث: شناخت پیامبر. سه راه دارد: از راه معجزه، از راه اخبار پیامبران پیشین، پیامبران قبلی، ۳- از راه جمع آوری قرائن. یک قرائتی را جمع بندی می‌کنیم و به نتیجه می‌رسیم. معجزه یعنی چه؟ معجزه کاری است که دیگران عاجز باشند. دیگران نمی‌توانند، حالا اگر هرکاری کرد دیگران عاجز هستند معجزه است؟ نه، لیکن تفاوت کار انبیاء با کار چه کسانی؟ ۱- ساحران، کاهنان، مخترعان، قهرمانان، دانشمندان و هرکسی، پنج تا فرق دارد. یکی اینکه وزنه‌برداری که وزنه بلند می‌کند هیچکس نمی‌تواند مثل آن را بلند کند، این تمرین کرده است. یعنی در قنناق که بودقاشق چایخوری بلند کرد. راه که افتاد دسته گوشت کوب بلند کرد. بزرگتر شد دوچرخه بلند کرد، موتور بلند کرد، ماشین بلند کرد، حالا کامیون بلند کرده است. یعنی این تمرین کرده است اما پیغمبر که تمرین نمی‌کند. وقتی به حضرت صالح گفتند: اگر تو پیغمبر هستی، از دل این کوه الآن یک شتر بیرون بیاور. می‌خواستند بگویند: دیگر هیچکس نمی‌تواند از دل کوه شتر بیرون بیاورد! گفت: من یک شتر بیاورم؟ پس بگذارید تمرین کنم. اول یک مورچه بیرون بیاورم. بعداً یک سوسک بیاورم. بعد یک بزغاله بیاورم، یک گربه بیاورم، یعنی آقایانی که وزنه بلند می‌کنند تمرین می‌کنند و کار پیغمبر تمرین نیست. جواب: کار انبیاء تمرینی نیست. ۲- کار انبیاء تحصیلی نیست. این دانشمندی که دست به ابتکار و اختراع زد، اول مقدماتی خوانده، دبستان رفته، راهنمایی رفته، دبیرستان رفته، کار آقایان تحصیلی است و کار پیامبر تحصیلی نیست. تمرینی، تحصیلی. ۳- هدف آقایان این است که پول جمع کنند. اختراع کرد، اکتشاف کرد، وزنه بلند کرد، با سحر و جادو کار کرد، اینها همه برای این است که مردم دورشان جمع شوند و یک پولی جمع کنند.

## ۲- هدف پیامبران، ارشاد و هدایت مردم

کار انبیاء برای گرفتن پول از مردم نیست. هدف آنها مادیت است و هدف انبیاء مادیت نیست. انبیاء

کوچکترین نقطه ضعف در تاریخشان نیست. اگر یک دروغ در تاریخ انبیاء باشد می‌گویند: ببین، دروغ

گفتی. فلان زمان دروغ گفتی، مردم حواسشان جمع است. مچ می‌گیرند.

یک کسی یک نامه به من نوشته بود: آقای قرائتی مثلاً ۳۵ سال پیش در تلویزیون گفتی: وقت نماز، وقتی

می‌خواهیم دعا کنیم، دست‌هایمان را به هم بچسبانیم، قنوت نماز اینطور باشد. این را ۳۵ سال پیش با کم

و زیاد این را گفتم ولی دیدم پشت سر مقام معظم رهبری که نماز می‌خواندی دست‌هایت چنین بود. ۳۵

سال گفتی همچین و چرا الآن خودت همچین؟! مردم مچ می‌گیرند. یک کسی به پیغمبر نگفت: کجا دروغ

گفتی؟ کجا خیانت کردی؟ یعنی حتی مخالفین هم می‌گفتند: مجنون، شاعر، کاهن، ساحر، نمی‌گفتند:

خائن، دروغگو! سوابق آقایان به هر مخترعی، مستکشفی، به هرکس از اینها بگویی: در عمرت نقطه ضعف

سراغ نداری؟ می‌گوید: چرا، خیلی دسته گل آب دادم. هرکسی حتی دانه درشت‌های ما اگر بررسی در

عمرت دسته گل آب ندادی؟ می‌گوید: چرا دسته گل آب دادم. پس ببینید هدف ارشاد است نه پول جمع

کردن، سابقه پاک است و معصوم است. این دو مورد، کارشان تحصیلی نیست. کارشان تمرینی نیست.

نباید بگوییم: هرکس کار نویی کرد این پیغمبر است. خیلی فاصله است. فروق زیاد است، منتهی در این نیم

ساعت می‌خواهم دو سه دقیقه صحبت کنم و کافی است. این یک مسأله.

### ۳- جاهلیت امروز، بدتر از جاهلیت قدیم

مسأله دیگر اینکه آیا در زمان تحصیلات، در زمان ما هم نیاز به پیغمبرها هست؟ اوه... (خنده حضار) اوه...

بخاطر اینکه الآن زمان بعثت پیغمبر است چون جاهلیت الآن... گوش بدهید... جاهلیت الآن به مراتب از

جاهلیت صدر اسلام بیشتر است. جاهلیت صدر اسلام چه می‌کردند؟ دختر که متولد می‌شد قرآن بخوانم

«ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا» (نحل/۵۸) از غصه صورتش سیاه می‌شد. «أَيُّمَسْكُهُ عَلَى هُونٍ» عربی‌هایی که

می‌خوانم قرآن است. «هون» یعنی اهانت، با اهانت این ننگ را قبول کنم که بگویند: فلانی دختر در

خانه‌اش است؟ دختر داشتن ننگ است. با ننگ او را نکه دارم؟ «أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ» (نحل/۵۹) تراب را فکر می‌کنم بفهمید. خاک! زنده زیر خاکش کنم؟ در زمان جاهلیت دختر را زنده زیر خاک می‌کردند. صد رحمت به گور آن زمان، الآن بمباران که می‌شود دختر و پسر قاطی هم زیر خاک می‌روند. تمدنی نیست. اصلاً تمدنی وجود ندارد. آن مرتیکه از آن طرف دنیا یک کشور دیگر نیرو می‌فرستد، در خانه یک خبرنگار را تکه تکه می‌کنند. آمریکا هم حمایت می‌کند. اصلاً حقوق بشر، ما باید یک تشییع جنازه راه بیاندازیم، روی جنازه بنویسیم حقوق بشر، همه مردم این را تشییع کنند. اصلاً حقوق بشری نیست. هشت سال شما جوان هستید و یادتان نیست. ولی بعضی یادتان هست که هشت سال ایران بمباران شد. حقوق بشر یک آروغ زد؟ حقوق بشری نیست. تمدنی نیست. الآن که زمان علم و پیشرفت و توسعه است، الآن نیاز به انبیاء به مراتب بیشتر است. قدیم یک کسی را زیر خاک می‌کردند حالا خانم کورتاج می‌کند، سقط جنین می‌کند و بچه‌اش را در چاه مستراح می‌اندازد. قدیم دختر را می‌کشتند، الآن وقتی سقط می‌کنند و کورتاج می‌کنند، دختر و پسر را با هم سقط می‌کنند. در خاک کجا، در چاه مستراح کجا، دختر خالی کجا و دختر و پسر با هم کجا؟ قدیم دشمن، دشمن را می‌کشت الآن مادر بچه‌اش را می‌کشد. ما فکر نکنید که هواپیما اف ۱۶ و ۱۷ و... این توسعه‌های علمی سر جایش، اما توسعه‌های علمی بشر را نجات نداد.

بارها این سؤال را کردم و یکبار دیگر هم برای چندمین بار از شما سؤال کنم، فقط خواهش می‌کنم وجدانی جواب بدهید. بدون هیچ تعصب، دبستانی‌ها ادبشان به معلم‌ها و پدر و مادر بیشتر است، یا راهنمایی‌ها، دبستانی‌ها، دبستانی‌ها و راهنمایی‌ها احترامشان بیشتر است یا دبیرستانی‌ها؟ چون شما دبیرستانی هستید تعصب به خرج دادید... من خودم در دانشگاه هستم. دانشجوی سال اولی از سال دومی بهتر هستند. سال دومی‌ها از سال سومی‌ها بهتر هستند. یعنی هرچه بالاتر می‌رود سوادش بیشتر می‌شود اما تواضع و ادب و... داریم دانشجو از بغل استاد رد می‌شود سلامش نمی‌کند. می‌گوییم: مگر این استاد تو نیست؟ می‌گوید: چرا. می‌گوییم: چرا سلام نکردی؟ می‌گوید: این ترم با او درس ندارم. حضرت عباسی این

علم است که آدم همین که با سواد شد به استادش و پدر و مادرش بی اعتنایی کند؟ در خانه زور بگوید؟ به خواهر و برادرش زور بگوید؟ به هر حال اینطور نیست که اگر چهار تا تکنولوژی و پیشرفت علمی داشت بگوییم: دیگر زمان ما، نیاز به انبیاء نیست. هرجا عطش باشد نیاز به آب هست. آمریکا و اروپا ندارد.

#### ۴- هر چه فساد بیشتر، نیاز به معنویت بیشتر

هرچه فساد بیشتر باشد، نیاز به معنویت بیشتر است. اینکه من یک چیزی نوشتم برایتان بخوانم. آمار سرقت، قتل، بمباران، ستم‌ها، مظلومیت‌ها، فسادها بیشتر شد. درآمدها زیاد است اما آسایش کم است. علم بالا رفته است ولی عاطفه سقوط کرده است. تحصیل بالا رفته ولی احساسات پایین آمده است. جلوه‌ها زیباست ولی پایه‌ها سست است. کتاب زیاد است ولی حوصله مطالعه نیست. تجملات اصل است و معنویات فرع است. خدمات پر رنگ است و صفا و صمیمیت کمرنگ است. تربیت بدنی موفق است، تربیت اخلاقی ورشکست شده است. شعار بیشتر است و عشق کمتر است. خانه‌ها بزرگتر است و خانواده‌ها کوچکتر است. جوان ماشاءالله مثل شاخ شمشاد است، ازدواج نمی‌کند. می‌گوییم: چرا ازدواج نمی‌کنی؟ می‌گوید: ازدواج کنم خرجی از کجا بیاورم؟ می‌دانید یعنی چه؟ جوان چقدر پوک شده که می‌گوید: خدایا من اگر یکی باشم تو می‌توانی خرجی بدهی، اما اگر من شدم با همسر دو تا شدیم، تو از کجا می‌توانی رزق مرا بدهی؟ (خنده حضار) هیکل ۱۲۰ کیلو است و از درون پوکیده است. می‌گوید: اگر یکی باشم خدا قدرت دارد و دو تا شدم خدا قدرت ندارد. حالا ازدواج کرد می‌گوید: بچه‌دار نشویم. خدا چه می‌گوید؟ خدا می‌گوید: بچه‌دار شو. جلوگیری از بچه نکن. می‌گوید: آخر نمی‌رسیم تربیت کنیم. از حرف‌های چرند است. آدم‌هایی هستند بچه‌های زیاد دارند یکی از یکی دیگر بهتر است. آدم‌هایی هستند یک بچه دارد، دو تا بچه دارد انگار دو تا گوساله (خنده حضار) یعنی اینطور نیست که ما هیچ دلیل... می‌خواهم بگوییم: گول شعارها را نخورید.

برای کنترل نسل مسلمان در کشورهای دیگر یکی دو رقم آمپول و دوا تجویز کردند. به من گفتند: در جمهوری اسلامی هجده رقم وسیله به خواهرها دادند که بخورند و بچه‌دار نشوند. نسل ایرانی کم شود. چون از این نسل‌هایی که آمریکا می‌پسندد. آمریکا دلش می‌خواهد کشورهای اسلامی مثل دم سگ، سگ هرطور خواست دمش را تکان می‌دهد. می‌خواهد کشور اسلامی هم هرطور او بخواهد... ولی وقتی کشوری یک سید حسن نصر الله دارد، یک استخوان در گلوئ اسرائیل است، یک مقام معظم رهبری دارد با امت که این استخوان در گلوئ آمریکا است. این نسل اینها را قطع کنیم. هجده رقم دارو و درمان و تبلیغات، اولاد کمتر زندگی بهتر، اسمش را گذاشتند تنظیم خانواده، کنترل نسل، اینها همه شرک است. حواسمان جمع باشد. آن کسی که خلق می‌کند رزقش را هم می‌دهد. آخر ما چشم می‌بینیم، با چشمان می‌بینیم. بچه به دنیا نیامده سینه مادر شیر ندارد. همین که بچه به دنیا می‌آید سینه مادر پر از شیر می‌شود. این یعنی چه؟ می‌خواهد بگوید: من همراه بچه رزق را هم می‌دهم.

## ۵- تکنولوژی در خدمت بشر، با انگیزه الهی

قرآن یک آیه داریم می‌گوید: چه پرنده‌هایی داریم که نمی‌توانند غذا بخورند اما «اللَّهُ يَرْزُقُهَا» (عنکبوت/۶۰) خدا رزقش را می‌رساند. سؤال چه بود؟ آیا در زمان پیشرفت‌های تکنولوژی علمی... ما به یکی از دانشگاه‌های ایران رفتیم، موتور هواپیما می‌ساختند. اساتید هم تشریف داشتند. گفتم: فرق شما با باقی کشورها این است که شما موتور هواپیما می‌سازید برای دفاع و آنها موتور هواپیما می‌سازند برای بمباران کردن یمن و لبنان، افغانستان، ایران و هرجا موتور هواپیمایی ساختند مهم نیست. مهم این است که این هواپیما که ساخته شد می‌خواهد کجا را بمباران کند؟ با چه نیتی؟ برای چه کسی؟ تخصص مهم نیست، فوق تخصص هم مهم نیست. این تخصص و فوق تخصص را به چه کسی می‌فروشی و در خدمت چه کسی قرار می‌دهی؟ اینطور نیست که شما نگاهتان بخورد به چهار چیز و بگوییم: نبوت برای الآن نیست.

قدیم دشمن دشمن را می‌کشت بی رو دروایی. الآن به اسم دموکراسی می‌کشند. به اسم حقوق بشر می‌کشند. در قرآن یک آیه داریم می‌گوید: عالمی که به علمش عمل نکند مثل الاغی است که کتاب بار کند. «كَمْثَلِ الْجَمَارِ يَحْمِلُ أَثْقَارًا» (جمعه/۵) اگر عالم به علمش عمل نکند مثل الاغی است که کتاب بار کند. حالا کشورهایی که ترقی و توسعه دارند اما فساد بیشتر است. باید اینها را به چه چیزی تشبیه کرد؟ من یک خرده فکر کردم به عقلم نرسید اینها را به چه تشبیه کنیم؟ تشبیه قرآن این است عالم بی عمل الاغی است که کتاب بار کند. حالا تکنولوژی پیشرفته‌ای که معنویت درونش نیست. الآن موبایل داریم، موبایل وسیله ارتباط است اما خودمان با هم قهر هستیم. همه، حالا همه که نه، بسیاری از جیب‌ها یک موبایل درونش است اما خود این آقایان با هم... یعنی وسیله ارتباط هست اما خود ارتباط نیست. خوشی را در چه می‌دانند؟ اسلام می‌گوید: خوشی در این است که بچه را بغل کنی و با بچه‌ات حرف بزنی. با بچه پارک بروی. آموزش بدهی. این ایام فراغت اینطور پر می‌شود. ما می‌گوییم: نه بچه نداشته باشیم، ایام فراغت چه کنیم؟ برویم در پارک تخمه کدو بشکنیم. مخ‌ها عوض شده است. بوسیدن و تربیت نوزاد ارزش نیست؟ ایجاد اشتغال نیست. تخمه شکستن در پارک ایام فراغت پر می‌شود.

واقعاً درک کنیم خودمان را، گول این تبلیغات را نخوریم. چقدر کامپیوتر در بانک‌ها هست؟ اوه... هر دو متر، سه متر، یک کامپیوتر است. کامپیوتر قبلاً اندازه بشکه بود، حالا قد یک آدامس شده و همه رقم هست. این همه کامپیوتر (روی میز میزنند) آخر هم نگاه می‌کنی اینقدر اختلاس... چطوری اختلاس چند هزار میلیاردی، در میدان بار تا حالا یک گونی سیب‌زمینی گم نشده است. ولی در وزارت بازرگانی با چند هزار کامپیوتر کشتی آهن در دریا گم می‌شود. علم نجات نمی‌دهد، قرآن بخوانم. «مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ» (آل عمران/۱۹) عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است. یعنی باسواد است اما علم بشر را نجات نداد. کسی هست این شعار که می‌گویم تکرار کند؟ هر کشوری دانشگاهش بیشتر است، آمار فسادش کمتر است؟ کسی می‌تواند این را بگوید؟ هر کشوری دانشگاهش بیشتر است آمار جنایتش بیشتر است. این یعنی چه؟

یعنی الآن هم ما نیاز به نبوت داریم. نبوت یک بحث قدیمی نیست. انسان نیاز به معنویت دارد. مادیت انسان را سیر نمی‌کند.

## ۶- نیاز بشر به اخلاق، در همه زمان‌ها

الآن نیاز به اخلاق داریم. این خانم فکر می‌کند حالا اگر دو کلمه درس خواند یا در دانشگاه چه شد، چه شد. من خانه آمدم دخترم گفت: بابا، گفتم: بله. گفت: در کنکور قبول شدم. گفتم: الحمدلله! نوه من گفت: بابا دو رقمی شدم. دانشگاه دو رقمی می‌گویند؟ من که نمی‌دانم یعنی چه؟ گفتم: دو رقمی یعنی چه؟ گفت: یعنی ممتاز! گفتم: الحمدلله. گفت: چرا احساس نداری؟ گفتم: خوب برقصم؟ (خنده حضار) حالا چه کسی گفت: هرکس دانشگاه برود حتماً موفق است و هرکس دانشگاه نرود خاکش به سر است. ما اینقدر آدم داریم تحصیلات بالا دارند ولی هزار مشکل دارند و آدم داریم تحصیلات بالایی ندارند و زندگی‌شان بسیار در آرامش است. ابزار آسایش زیاد شده است ولی آرامش نیست. فکر نکنید اگر چهار کلمه درس می‌خوانید حتماً باید حجابتان، نمازتان، اخلاقتان، خودتان روی عمر خودتان برنامه‌ریزی کنید و کار به دولت نداشته باشید. برنامه‌های دولت، نه دولت ایران، همه کشورها، بالاخره برنامه‌های بشری است. صبح می‌گویند: یک طرفه و عصر می‌گویند: دو طرفه. امروز می‌گویند: آره، فردا می‌گویند: نه، هرچه عقل گفت و هرچه وحی گفت همان را محکم بگیریم. خدا را رازق بدانیم. عزت‌تان را در مدرک ندانید. خیلی هستند مدرک بالاست ولی در جامعه عزیز نیستند. خیلی هستند مدرکشان پایین است ولی در جامعه عزیز هستند. اثری که شهید رجایی در آموزش و پرورش داشت، کمتر دانشمندی داشت. نمی‌گویم ندارد ولی کمتر دانشمندی داشت. معلم بود ولی معلم با فضیلت بود. مردانگی کار به تحصیلات ندارد.

شهید رجایی با یک کسی شریک شدند، دوچرخه قراضه داشتند چیزی در بازار می‌خریدند و در کوچه‌ها می‌فروختند. یک سال شریکی کار کردند و هشت هزار تومان درآمد داشتند. هشت هزار تومان پنجاه سال پیش، گفتند: تقسیم کنیم. شهید رجایی گفت: نه من فعلاً دو تا بچه دارم. از هشت هزار تومان دو هزار



تومان به من بدهید. تو بچ‌ها بیشتر است شش هزار تومان برای تو! شصت سال پیش در تهران با دو هزار تومان می‌شد یک قطعه زمین خرید حالا با شصت میلیون هم نمی‌شود خرید. رجایی مرد بود. آنوقتی که فقیر بود و استکان نلکی می‌فروخت، معلم فقیر بود اما مرد بود. گفت: تو بچ‌ها بیشتر است، بیشتر را تو بردار. ما صفاتی که باید داشته باشیم انسانیت‌ها کم شده است. الآن هم جامعه نیاز به پیغمبر دارد.

## ۷- نقش نماز در دوری از گناهان

الآن هم باید دستان را در دست نماز بگذاریم. چون فساد زیاد است و یک جوان و دختر و پسر ممکن است آلوده شود، چه کنیم. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت/۴۵) تا دستت کثیف شد، می‌شویی. حدیث داریم نماز مثل نهر آب است... آدم در نهر دست بشوید دیگر دست تمیز است. صبح رابطه با خدا، ظهر رابطه با خدا، این نماز شما را «تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» معنای تنهی را بگویم، «تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» معنایش این نیست که گناه نمی‌کند. نگو آقا من یک کسی را سراغ دارم نماز می‌خواند ولی گناه هم می‌کند. پس این قرآن که می‌گوید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» نماز جلوی فحشا و منکر را می‌گیرد، من خودم سراغ دارم کسی که نماز می‌خواند ولی باقی گناه‌ها را هم می‌کند. گناهان دیگر هم می‌کند. جواب: تنهی یعنی هی می‌زند! هی... لباس سفیدی که من پوشیدم، لباس سفید هی می‌زند هوی! زمین سیاه است ننشین! یعنی لباس سفید که آدم پوشید خودش روی زمین سیاه نمی‌نشیند. نه یعنی نمی‌تواند بنشیند. می‌تواند آدم لباس سفید بپوشد و روی زمین سیاه بنشیند، ولی خود لباس سفید، من عمامه که سر گرفتم، خودم در خیابان نمی‌دوم. چون می‌گویم: زشت است با لباس آخوندی می‌دوی. بد است! خود «ان العمامه تنهی از دویدن»! نه یعنی نمی‌توانی بدوی. نمی‌گوید: «ان الصلاة تمنع عن الفحشاء» می‌گوید: تنهی، تنهی یعنی هی می‌زند.

یک جوانی می‌خواهد شر بازی در بیاورد. اما اگر دید این طرف استاد دانشگاه است. این طرف استاد است.

این طرف هم دبیرش است. این طرف هم... اگر دید بین یک عده آدم خوب است، همین باعث می‌شود

شیطنتهایی که می‌خواهد بکند نکند. می‌گوید: در این فضا نمی‌شود شیطانی کرد. الآن نیاز به نماز است. اگر هواپیما بسازیم و ایمان نباشد، بمباران یمن درونش است. اگر فوق تخصص باشیم و ایمان نباشد، من زمان جنگ رفتم خارج، بعضی کشورهای اروپایی رفتیم از ایرانی‌ها ببینیم می‌شود برای جبهه کمک گرفت یا نه، جمع کردیم بعضی از ایرانی‌های پولدار را و گفتیم: ایران جنگ است و بسیجی‌های ما تکه تکه می‌شوند. شما اگر می‌توانید کمکی بکنید از تخصص‌تان، سالی یک ماه، دو ماه ایران بیایید و مجروحین را عمل جراحی دارد انجام بدهید. گفتند: ما دلار می‌خواهی می‌دهیم. ریال می‌خواهی می‌دهیم، دارو هم بخواهی می‌دهیم اما خودمان ایران بیاییم نه. نمی‌توانیم! گفتیم: چرا؟ گفت: اینجا راحت‌تر هستیم. این آقا وقتی دبیرستان بوده می‌خواست راحت باشد و کاری به ایران نداشته است. کار به وطن نداشته است، کار به غیرت ملی نداشته است. می‌گوید: می‌خواهم راحت باشم. من یک جمله گفتم برایشان تلخ بود. گفتم: بگذارید من هم این را بگویم. شما الآن فرانسه هستید، اگر بدانید سگ‌های آلمان را عمل جراحی کنید دلارش بیشتر است، باز فرانسه را ول می‌کنید و سراغ سگ‌های آلمان می‌روید. شما محور کارتان دلار است. فعلاً فرانسه بهتر از ایران است، فرانسه آمدید. اگر بفهمید سگ‌های آلمان دلارش بیشتر است، باز فرانسه را ول می‌کنید و آلمان می‌روید. اصلاً از اول لوله‌کشی و جدول بندی و طراحی شما غلط بوده است. ما برای خدمت درس نخواندیم. برای مدرک، رفاه، دلار و آسایش درس خواندیم. این الآن نیاز به نبوت است. یکوقتی بحث نبوت می‌شود فکر نکنید حالا، نبوت بله، مردم وحشی بودند و پیغمبرها برای اصلاح آمدند. الآن مردم وحشی‌تر هستند و نیاز به اصلاح بیشتر است. فتنه بیشتر است، فساد بیشتر است. تا انسان انسان هست، قوانین را حل نکرد. سازمان‌های بین‌المللی حل نکردند. این مسأله‌ای که می‌خواستم بگویم. قدیم خائن‌ها خائف بودند. یعنی کسی دزدی می‌کرد فرار می‌کرد. می‌گفت: از جا در برویم. نبینند، دوربین نباشد. الآن خائن‌ها با سرافرازی خیانت می‌کنند. یکوقتی در دادگاهی که تلویزیون نشان می‌داد بعضی از افراد مجرم دستشان را جلوی صورتشان می‌گذاشتند. گفتیم: رحمت به گور پدر یک جو غیرت دارد، اما

بعضی قشنگ نشستند. می‌بیند، همه ایران می‌فهمند این دزدیده است. ولی باز هم نشسته است. در قرآن یک آیه داریم که افرادی مسخ می‌شوند یعنی نژادشان عوض می‌شود. اگر ایمان نباشد، اگر نبوت نباشد، اگر راه خدا نباشد علم بشریت را نجات نمی‌دهد. این چند جمله بخاطر اینکه نگویند: امروز دیگر با پیشرفت‌های علم... اصلاً هر پیشرفتی ارزش دارد؟ سرطان هم در بدن پیشرفت می‌کند. زنده باد توسعه! چه توسعه‌ای سرطان است. عقب‌گرد ممنوع! نخیر همه اینهایی که مریض می‌شوند و دکتر می‌روند می‌خواهند بگویند: آقای دکتر، یک دارو بده بخوریم مثل اول شویم. یعنی مثل دیروز، دیروز سالم بودم و امروز مریض شدم، یک نسخه و آمپولی به من بزن که مثل دیروز شوم. پس نه هر عقب‌گردی بد است. زنده باد بعضی عقب‌گردها، همه مریض‌ها می‌خواهند برگردند به حالت اولی‌شان، نه هر عقب‌گردی بد است و نه هر توسعه‌ای خوب است. سرطان هم توسعه پیدا می‌کند. توسعه به شرطی ارزش دارد که همراه با عدالت باشد. همراه با انصاف باشد و الا خود توسعه مثل چاقو تیز، چاقوی تیز در دست کی، با چه هدفی؟ این مهم است. انسان همیشه نیاز به دین دارد. روزگار دین هیچوقت کمرنگ نمی‌شود. لذا امام زمان وقتی می‌آید که مردم خوب همه را دیدند، شرق را دیدند، غرب را دیدند، نظام سرمایه‌داری، کمونیستی، همه را دیدند. دیگر می‌گویند: هیچکس، هرکسی هم رئیس شد خرابتر کرد. بنابراین باید منتظر کسی دیگر باشیم. این بشرهای عادی با این اطلاعات عادی جامعه را نجات نمی‌دهد. باید سراغ یک مهدی باشیم. خدایا دنیا را برای ظهور امام زمان آماده و ما را زمینه‌ساز ظهور قرار بده. قلبش را از ما راضی بفرما. منحرفین هدایت و هدایت شده‌ها را حفظ بفرما.